

فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش نامه‌ی تاریخ اسلام
سال سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۲
صفحات ۲۹ - ۴۵

عملکرد سیاسی حکومت شیعی مذهب بنی منقذ در شیزر (۴۷۴-۵۵۲ ق)

شکرالله خاکرند*
لیدا مودت**

چکیده

پیدایی بحران‌های سیاسی و اقتصادی نیمه دوم قرن پنجم هجری در خلافت فاطمیان و منازعات آنان با سلجوقیان در شام به تأسیس حکومت‌های محلی در این منطقه انجامید. دولت بنی منقذ شیعی مذهب در شیزر، از این حکومت‌ها بود که میانه سال‌های ۴۷۴-۵۵۲ در شیزر (شمال غربی حماه) تأسیس شد و در تحولات سیاسی شام و تعامل با حکومت‌های سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان، تأثیر گذارد و سرانجام در پی وقوع زلزله‌ای سخت (۵۵۲ ق) در شیزر از میان رفت. بر پایه یافته‌های پژوهش، امیران بنی منقذ با سیاستی کارآمد و بهره‌گیری از استحکامات شیزر، به‌رغم محدود بودن قلمرو خود موفق شدند استقلالشان را حفظ و پایه‌های حکومتشان را تثبیت کنند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع اصلی به دنبال بررسی تعامل سیاسی و برخوردهای این دولت با سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام است.

کلیدواژگان

شیزر، روابط بنی منقذ و سلجوقیان، روابط بنی منقذ و صلیبیان، روابط بنی منقذ و اسماعیلیان.

۱. تاریخ دریافت ۹۲/۲/۱۸ تاریخ پذیرش ۹۲/۶/۱۲.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، گروه تاریخ، شیراز، ایران. khakrand@shirazu.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شیراز، گروه تاریخ، شیراز، ایران. lidamavadat@gmail.com

طرح مسئله

منطقه شام به‌ویژه شیزر در شمال شام از دید جایگاه نظامی (سوق الجیشی) نزد سلجوقیان و صلیبیان قرن‌های پنجم و ششم هجری، بسی مهم بود. این دولت‌ها در پی تسلط بر این شها بودند و از این‌رو، پایداری مردمان شیزر به پیروی از امیران بنی‌منقذ، روی دادی تأمل‌پذیر می‌نماید. حکومت بنی‌منقذ در سده‌های پنجم و ششم هجری به گونه‌ای تأثیرگذار با حکومت‌های سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام پیوند داشت. این حکومت خود دارای شهر مهمی نبود، اما جایگاه شیزر موجب می‌شد که حکومت بنی‌منقذ از موثرترین حکومت‌های محلی منطقه شام در این قرون به شمار آید.

مسئله اصلی پژوهش، تحلیلی درباره عمل‌کرد امیران بنی‌منقذ در برابر سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام و فرضیه‌اش بر این پایه استوار است که امیران بنی‌منقذ موفق شدند با بهره‌گیری از خلأ قدرت سیاسی برتر در منطقه شام، حکومتی تأسیس کنند و پس از این، امیران دولت بر پایه سیاست‌های واقع‌بینانه، به دفع یورش‌های صلیبیان و اسماعیلیان شام و تثبیت حکومت خود پرداختند. پژوهش مستقلی به فارسی در این‌باره صورت نپذیرفته، اما پژوهش‌های تازه و اندکی به عربی در این‌باره سامان یافته است که از مقاله «قلعه شیزر در گذشته و حال» نوشته کامل شحاده و «شیزر در میراث و تاریخ» نوشته هاشم صالح مناع، از برجسته‌ترین آنها به شمار می‌روند. این مقاله‌ها بیش‌تر به جغرافیای تاریخی شیزر و به شکلی گذرا به خاندان بنی‌منقذ پرداخته‌اند، اما نویسنده در پی شرح و بسط عمل‌کرد سیاسی خاندان بنی‌منقذ است.

شیزر در گذر تاریخ

شهرهای مهم شام در چهار سوی شیزر قرار داشتند: انطاکیه، دمشق، طرابلس و حلب به ترتیب در شمال، جنوب، جنوب غرب و شمال شرق. منطقه شیزر قلعه‌ها و باروهای استوار و از سوی دیگر به شهرهای مهم شام دسترس داشت. قلعه شیزر با توجه به اهمیت راه‌بردی (استراتژیک) اش پس از ورود مسلمانان به شام تا روی کارآمدن بنی‌منقذ، پیوسته دست‌خوش یورش بیزانس، حمدانیان و فاطمیان بود. این حکومت‌ها در پی چیرگی بر این نقطه حساس و سوق الجیشی بودند. پس از ورود مسلمانان به

منطقه شام، مردمان شیزر شهر را ر پایه پیمان صلحی به آنان واگذارند (۱۷ ق)، اما بیزانس از منطقه شام و شیزر غافل نبود، بلکه در قرون نخستین هجری بارها به این شهر یورش برد (یاقوت حموی، ۳ / ۳۸۳). نففور فوکاس امپراتور بیزانس سده چهارم هجری و سیف‌الدوله حمدانی برای نفوذ بیش‌تر به شمال شام، به کشمکش با یک‌دیگر پرداختند. بر اثر اهمیت شیزر و قلعه مستحکمش، این شهر بارها میان آن دو دست به دست گشت (ابن خلکان، ۳ / ۴۰۵؛ مولر، ۶۹).

پس از مرگ سیف‌الدوله حمدانی، بزرگ‌ترین مانع نففور در شام از میان رفت و او به آهنگ آن سامان راه افتاد (۳۵۷ ق) (ابن عبری، ۲۲۳ و ۲۹۳). سعدالدوله جانشین سیف‌الدوله در این هنگامه می‌کوشید که در برابر نففور بایستد، اما نففور شیزر را تصرف و مسجد جامع آن‌جا را سوزاند و محافظانی رومی بر شیزر گماشت (ابن عدیم، ۱ / ۱۵۷ و ۱۶۹ و ۲۳۲؛ انطاکی، ۱۳۱؛ ابن ظافر ازدی، ۱۷). العزیز خلیفه فاطمی نیز در پی نفوذ به منطقه شام بود (ابن قلانسی، ۳۸). منجوتکین به فرمان خلیفه فاطمی، شیزر را گرفت (۳۸۴ ق) (انطاکی، ۱۷۶). شیزر در این زمان در دست سعدالدوله حمدانی بود. وی برای مقابله با فاطمیان از امپراتور بازیل کمک خواست. امپراتور بازیل نیز به شیزر حمله برد و شهر را گرفت (۳۸۹ ق) (ابن تغری بردی، ۲ / ۵۰۲؛ ابن عدیم، زبده‌الطب، ۱ / ۱۹۲) از این‌رو، شیزر کمابیش تا هشت دهه، در دست رومیان بود تا اینکه سدیدالملک علی بن منقذ توانست آن‌جا را بگیرد (۴۷۴ ق) و به قدرتی منطقه‌ای بدل کند (ابن خلکان، ۳ / ۴۰۹).

نسب و مذهب بنی منقذ

بنی منقذ از قبیله کنانه بودند که از طوایف عذره بن‌زید اللات کلبی از قبیله عرب قحطانی به شمار می‌رفت (ابوشامة، ۱ / ۱۱۱؛ قلقشندی، ۱ / ۳۱۶). قبیله کنانه سده سوم هجری در شمال شام (نواحی رود عاصی) ساکن شد (یعقوبی، ۸۶). بنی منقذ همچون بیش‌تر قبایلی که در بلاد شام برای دست‌یابی به قدرت برخاسته بودند، تباری بدوی داشتند. گمان می‌رود آنان پس از اینکه علی بن منقذ بن‌نصر الکنانی نخستین بار در ۳۴۹ در نبرد با روم شرقی اسیر شد، در صحنه روی‌دادهای تاریخی ظاهر شده باشد (اسامه بن منقذ، ۱۳). گفتنی است بنی منقذ خاندانی شیعه‌مذهب بودند (اسامه بن منقذ، ۱۰۷،

حکومت بنی منقذ در مسیر پیشرفت

ظهور بنی منقذ در جایگاه نیروی سیاسی تأثیرگذار، از تأسیس سلسله بنی مرداس در حلب سرچشمه می‌گیرد. صالح بن مرداس مؤسس حکومت بنی مرداس، در حلب استقلالش را در برابر فاطمیان اعلام کرد (۴۱۵ ق). صالح بن مرداس ناحیه شیزر را به فردی از پیروانش به نام مقلد بن نصر بن منقذ اقطاع سپرد (۴۱۷). (ابن اثیر، ۹/ ۲۱۰-۲۱۱). شیزر در این زمان در دست بیزانس و املاک مقلد بن نصر تا رود عاصی گسترده بود. او همچنین کفرطاب چیرگی داشت (۴۳۷ ق) (ابن عدیم، ۲/ ۷۰).

مقلد بن نصر بن منقذ تا هنگام مرگش (۴۵۱ ق) در تصرف منطقه شیزر توفیق نیافت، اما پسرش سدیدالملک علی مؤسس حقیقی امارت بنی منقذ، این منطقه را گرفت و امارت خود را پایه گذارد. سدیدالملک ابوالحسن نخست از سرکردگان محمود بن صالح بن مرداس از امیران بنی مرداس در حلب به شمار می‌رفت، اما محمود در پی دست‌گیری وی بود. سدیدالملک به دربار بنی‌عمار در طرابلس گریخت. امیر مرداسی به سدیدالملک علی نامه نوشت و کوشید تا او را به دستگاه خویش بازگرداند (ابن حیوس، ۸۴)، اما سدیدالملک علی به جای بازگشت به خدمت محمود بن صالح بن مرداس، در پی کسب قدرت بیش‌تر در آن منطقه بود.

سدیدالملک علی در سرزمین شمال‌شام، پیش از تصرف شیزر و تأسیس حکومت، نیروی سیاسی تأثیرگذاری به شمار می‌رفت. بنابراین، در طرابلس حاضر شد (۴۶۴ ق) و از سویی، امین‌الدوله امیر بنی‌عمار از دنیا رفت و درباره جانشینی وی اختلاف افتاد. سدیدالملک با فراخواندن نیروهای خود از کفرطاب به پشتیبانی از جلال‌الملک پرداخت (ابن اثیر، ۱۰/ ۷۱؛ ابن خلدون، ۵/ ۴۶۱؛ ابن خیاط، ۴۹، ۸۳، ۹۱) و سرانجام جلال‌الملک به کمک ابن منقذ (ابن قلانسی، ۱۱۴) بر رقیبان چیره شد و دشمنانش را از طرابلس بیرون و دور کرد. پس از این، جایگاه ابن منقذ استواری یافت و از خواص جلال‌الملک شد. جلال‌الملک وی را در حکومت طرابلس شریک کد؛ چنان‌که جایگاهی همانند خود وی یافت (ابن عدیم، ۲/ ۳۵).

سدیدالملک در انقراض حکومت بنی‌مرداس در حلب و گرفتن این شهر به واسطهٔ مسلم بن قریش، حاکم عقیلی موصل، مؤثر بود (۴۷۳) (ابن‌عدیم، ۲/ ۷۰ و ۱۴۵). سقوط سلسله بنی‌مرداس و از سوی دیگر نفوذ فراوان سدیدالملک در منطقه شام، وی را بر آن داشت که سهم بیش‌تری از این منطقه داشته باشد. بنابراین، قلعه شیزر را از دست رومیان گرفت (۴۷۴ ق) و این خود سرآغاز پیدایی حکومت بنی‌منقذ در شیزر بود (ابن‌عدیم، ۱/ ۲۲۳). اسامه بن منقذ داستان چیرگی نیاکانش را بر شیزر چنین توصیف می‌کند:

در شیزر یک فرمان‌روای رومی به نام دمتری بود و پدربزرگم با طرح پیش‌نهاداتی قلعه شیزر را تحویل گرفت. از جمله پیش‌نهادات، پرداخت مال به دمتری و نگه‌داشتن املاک اسقف آن‌جا بود. دمتری همچنان تحت حمایت پدربزرگم در قلعه ساکن بود تا اینکه در شیزر درگذشت. بدین ترتیب قلعه شیزر را در روز یکشنبه ماه رجب ۴۷۴ به دست آورد (اسامه بن منقذ، ۱۵).

هنوز زمان بلندی از تصرف شیزر نگذشته بود که مؤیدالدوله علی، برادر شرف‌الدوله مسلم عقیلی، حاکم جدید حلب این قلعه را محاصره کرد (ابوشامه، ۱/ ۱۱۱؛ الطباخ الحلبی، ۲/ ۳۰). پیش از این، مؤیدالدوله علی عقیلی یک‌بار آن را محاصره کرده بود، اما در این زمینه کام‌یاب نبود. سدیدالملک به مذاکره با وی پرداخت تا اینکه توانست او را از شیزر دور کند (۴۷۵ ق) (ابن‌عدیم، ۲/ ۷۷).

سدیدالملک علی در دوره امارتش به آبادانی شیزر پرداخت. علی هنگام مرگش (۴۷۵ ق)، شهر بزرگی در دست نداشت، اما قدرت محلی مهمی شمرده می‌شد؛ زیرا افزون بر شیزر، کفرطاب، افامیه، بندر لاذقیه و چند محل کوچک‌تر را در برمی‌گرفت. پس از سدیدالملک علی، عزالدوله ابوالمرهف نصر پسرش بر جای او نشست (۴۷۵ ق) (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۰۴). حکومت بنی‌منقذ در دهه‌های پس از مرگ سدیدالملک علی با نیروهای سلجوقیان، صلیبیان و فداییان اسماعیلی درگیر شدند. توانایی آنان در حفظ خودمختاری و قدرتشان، وام‌دار سیاست‌گذاری‌های پسران و جانشیان سدیدالملک علی، نصر (۴۷۵-۴۹۲ ق) و ابوالعساکر سلطان (۴۹۲-۵۴۹ ق) بود.

چیرگی سلجوقیان بر شام مهم‌ترین روی داد دورهٔ حکومت نصر بن‌علی، به شمار

می‌رفت. او با درک این نکته که هیچ‌یک از حکومت‌های محلی بلاد شام نمی‌تواند در برابر سلجوقیان پایدار بماند، به سیاست سازش با سلجوقیان تن داد. هنگامی که سلطان ملکشاه سلجوقی حلب را تصرف کرد (۴۷۹ ق)، فردی را نزد امیر نصر فرستاد و امیر بنی‌منقذ به فرمان‌پذیری از او تصریح و بنابراین، ملکشاه حکومت وی را در شیزر تأیید کرد (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۰۵). از این‌رو، امیر نصر در برابر تملک شیزر، شهرهای کفرطاب، افامیه و لاذقیه را به سلطان ملکشاه واگذاشت. نصر در هنگامه اوضاع آشفته پس از فتوحات سلجوقیان در شام، بهترین راه را برای حفظ منافعش، اتحاد با آق‌سنقر، حاکم گمارده سلجوقی در حلب دانست، اما پس از مرگ ملکشاه (۴۸۵ ق)، امیر نصر منقذی توانست کفرطاب، افامیه و لاذقیه را بازپس گیرد (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۰۵؛ یاقوت حموی، ۵/ ۲۲۱).

پایداری حکومت بنی‌منقذ در برابر اسماعیلیان شام

امیر نصر پیش از مرگش، برادر خود مجدالدین‌ابی‌سلامه مرشد^۱ را به جانشینی برگزید، اما پس از مرگ امیر نصر، مرشد از پذیرش حکومت خودداری کرد. از این‌رو، ابوالعساکر سلطان، پسر سدیدالملک علی بر جای وی نشست (ابوشامه، ۲/ ۱۱۱؛ ابن‌اثیر، ۱۰/ ۵۰۴). دوران حکومت ابوالعساکر سلطان، در تاریخ حکومت بنی‌منقذ بسیار مهم بود؛ زیرا او از آغاز می‌بایست با دو نیروی صلیبیان و اسماعیلیان می‌جنگید.

اسماعیلیان شام در این برهه از زمان در منطقه شام گرفتاری‌هایی برای حکومت‌های مستقر در این دیار پدید آورده بودند. پس از مرگ رضوان از سلاجقه شام (۵۰۷ ق) پسرش، آلب ارسلان اخرس جانشین وی شد (ابن‌اثیر، ۱۰/ ۱۷۵). آلب ارسلان در آغاز سیاست پدر را برای مماشات با اسماعیلیان در پیش گرفت، اما پس از فرمان محمد بن ملکشاه برای مبارزه با اسماعیلیان، به آهنگ مبارزه با آنان در شام به راه افتاد (ابن‌قلانسی، ۱۸۹-۱۹۰؛ ابن‌عدیم، ۲/ ۵۳۲-۵۳۳). بزرگان اسماعیلیان بر اثر فشارهای سلجوقیان شام بر آنان (۵۰۷ ق)، به اطراف حلب پراکنده شدند. اسماعیلیان بر این

۱. وی پدر اسامه بن‌منقذ صاحب‌الاعتبار است. مرشد بر اثر علاقه به نسخ قرآن و صید و شکار، به نفع برادر کوچک‌ترش عزالدین‌ابی‌العساکر سلطان از فرمان‌روایی کناره گرفت و می‌گفت: «به فرمان‌روایی نرسید و از دنیا نرفت کسی همچنان که من وارد شدم» (ابوشامه، ۲/ ۱۱۱؛ ابن‌اثیر، ۱۰/ ۵۰۴).

شدند که به مناطق امن تر از دید طبیعت جغرافیایی بروند که مناطق قلعه شیزر از مهم ترین آنها بود (ابن عدیم، ۱/ ۱۴۵)؛ چنان که کمابیش صد تن از اسماعیلیان حلب، افامیه، سرمین، معره النعمان و معره مصرین به شیزر رفته بودند. ابراهیم عجمی که از این جرگه به شمار می رفت، به دژ شیزر (در دست ابوالعساگر سلطان) پناه برد (ابن عدیم، ۱/ ۱۴۵).

اسماعیلیان امیدوار بودند که شیزر را به دست آورند و آن را به پایگاه جدیدی برای عملیات خود در شام بدل کنند (ابن اثیر، ۱۰/ ۱۶۶). از این رو، بزرگان بنی منقذ بیرون از شیزر شاهد جشن های «عید قیام مسیح» میان رعایای مسیحی خود بود (۵۰۷ ق) که اسماعیلیان به کاری بی فرجام برای گرفتن آن جا دست زدند (اسامه بن منقذ، ۱۹۰؛ ابن اثیر، ۱۰/ ۱۹۹). هنگامی که بنی منقذ به ارگ شیزر بازگشتند، به کمک مردم شهر، برج به برج با اسماعیلیان جنگیدند و سرانجام مهاجمان را بیرون کردند یا کشتند (اسامه بن منقذ، ۱۵۸-۱۶۰؛ ابن قلانسی، ۳۰۳-۳۰۴).

قدرت اسماعیلیان در منطقه شام هر روز فزونی می گرفت. پس از این روی داد، داعیان اسماعیلی برای بنی منقذ تهدیدی دائم به شمار می رفتند تا اینکه قلعه قدموس را از صاحب آن سیف الملک بن عمرو خریدند (۵۲۵ ق)؛ سپس آرام آرام دژها و قلعه های مجاور را گرفتند و دژهای خوابی و کهف را تصرف کردند (۵۳۲ ق) (ابوالفداء، ۱۰/ ۱). آنان هم چنین توانستند قلعه مصیاف را از دست بنی منقذ خارج کنند (۵۳۵ ق)؛ محلی که از آن پس، از استحکامات مهمشان شمرده می شد. حکومت اسماعیلیان شام پس از گرفتن این دژ بنیاد یافت. آنا بدین شیوه پیش رفتند تا اینکه یازده قلعه مهم را در شام به دست آوردند^۱ (شیخ الربوه دمشقی، ۲۰۸).

روی کرد سازش و مقابله بنی منقذ در برابر صلیبیان

دو خلافت بزرگ جهان اسلام؛ یعنی عباسیان و فاطمیان پایان قرن پنجم هجری پس از نخستین حمله صلیبیان به مشرق، به سختی آسیب پذیر شده بودند و جهان اسلام در

۱. قلعه های اسماعیلیان، قلعه های دعوت (قلاع الدعوة) نامیده شدند. نام این قلعه ها چنین بود: خوابی، کهف، قدموس، علیقه، مینقه، رصافه، ابوقییس، مصیاف، بلاطنس، مرقب و صهیون.

رهبری ریموند به سوی قدس به راه افتادند (۴۹۲ ق) (ابن عدیم، ۲ / ۱۴۳).

دولت بنی منقذ شیزر، از مهم‌ترین و برجسته‌ترین خاندان‌های حاکم هم‌دوره با نخستین یورش صلیبیان به شام بود (زکار، ۱ / ۴۱). وضع خاندان بنی منقذ نزد صلیبیان بسیار مهم می‌نمود. حکومت بنی منقذ سرزمین‌هایی را از رود عاصی تا دریای مدیترانه (مسیر راه صلیبیان) در دست داشت. بنابراین، دوستی یا بی‌طرفی این خاندان برای پیش‌رفت کار صلیبیان بسیار مهم بود. بنی منقذ نخست در اندیشه اتحاد با دیگر مسلمانان یا ایستادگی در برابر صلیبیان نبودند و بر پایه سیاست مدارا و سازش با آنان رفتار کردند. امیران بنی منقذ در آغاز در برابر حفظ مرزهای خودشان، هنگام گذشتن صلیبیان از سرزمین‌هایشان، به هم‌کاری با آنان پرداختند (ابن اثیر، ۱۰ / ۲۷۸؛ ابن عبری، ۱۲۴)، اما پس از این، خطر صلیبیان را دریافتند و از سلطان سلجوقی در این باره کمک خواستند. صلیبیان پس از تصرف طرابلس (شهر مهم ساحلی آن منطقه) و سقوط حکومت بنی عمار (۵۰۲ ق) (ابن قلانسی، ۱۶۲؛ ابن اثیر، ۱۰ / ۴۶۸)، بر یورش‌های خود به شیزر افزودند.

فرآیند رابطه بنی منقذ و صلیبیان را به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد:

۱. هنگامی که بنی منقذ سیاست سازش و مدارا در پیش گرفت؛

۲. هنگامی که بنی منقذ بر پایه اتحاد با حاکمان مسلمان، به رویارویی پرداخت.

آخرین یورش مهم صلیبیان به شیزر به همراهی بیزانس صورت پذیرفت، اما شیزر در برابر این یورش نیز پایدار ماند. ویلیام^۱ کنت ساردنی به شیزر تاخت (۵۰۲ ق) و ابوالعساکر سلطان، امیر بنی منقذ و برادرش، مرشد از آن‌جا گریختند، اما دیری نگذشت که بار دیگر به دژ شیزر بازگشتند. بالدوین^۲ در همین سال به شیزر لشکر کشید، اما ابوالعساکر سلطان با فرستادن هدایایی، بالدوین را از یورش به دژ بازگرداند. حاکم صلیبی طرابلس نیز به شیزر حمله کرد (۵۰۳ ق)، اما بر اثر استحکام قلعه شیزر، در این زمینه کام‌یاب نبود (اسامه بن منقذ، ۵۵). تانکرد^۳ نایب الحکومه انطاکیه، شیزر را به

۱. William.

۲. Baldwin.

۳. Tancred.

سختی تهدید کرد (۵۰۴ ق) و ابوالعساكر سلطان این بار نیز با فرستادن هدایایی از نبرد با او بیاسود (Hitti, ۱۷۸-۱۸۱).

هنگامی که ریموند از معره النعمان به سوی کفرطاب می‌رفت، امیر بنی‌منقذ خطر او را دریافت. امیر عزالدین ابوالعساكر سلطان بن‌منقذ در پیمانی با صلیبیان به آنان رخصت داد که در منطقه شیزر تردد کنند و درباره تأمین مواد غذایی‌شان و همراه کردن راهنما با آنان، متعهد شد. هم‌چنین صلیبیان می‌توانستند در مرزهای شیزر به خرید و فروش بپردازند، اما متعهد شدند که به شیزر هجوم نبرند (عاشور، ۱۰۸). امیر بنی‌منقذ در این مرحله سیاست مدارا و سازش را در پیش گرفت. سلطان محمد سلجوقی از ۵۰۴ قمری در بغداد به مقابله با صلیبیان تصمیم گرفت. مودود بن‌زنگی حاکم موصل، به فرمان سلطان محمد سلجوقی برای مقابله با صلیبیان پیش رفت (۵۰۵ ق) (ابن‌عدیم، ۱۵۴/۲). وی به کمک همسایگان ترک و گُرد خود امیر میافارقین، مراغه، تبریز، دیاربکر، ماردین و اربیل، لشکری فراهم آورد و راهی سنجار شد. با انتشار این خبر، ابوالعساكر سلطان بن‌منقذ، حاکم شیزر پیغام فرستاد و از آنان درخواست کرد تا نخست به نجات او شتاب کنند (Smail, ۱۴۲؛ ابن‌قلانسی، ۱۶۹).

تانکرد که در برابر شیزر اردوگاه زده بود، در این زمان از سلطان بالدوین کمک خواست. از سویی، متحدان مودود پراکنده شدند و از سوی دیگر شمار صلیبیان فزونی گرفت. بنابراین، مودود در مقابله با آنان ناتوان ماند و عقب نشست (ابن‌قلانسی، ۱۶۹؛ ابن‌اثیر، ۴۸۵/۱۰ - ۴۸۶). از این‌رو، کمک‌خواهی سلطان بن‌منقذ به فرجام نرسید. تانکرد باری دیگر به شیزر تاخت (۵۰۷ ق)، اما با رسیدن نیروهای سلجوقی به آفامیه، از شیزر عقب نشست. پس از کشته شدن امیر مودود، برسق بن‌برسقی به فرمان سلطان محمد سلجوقی جانشین وی، به مقابله با صلیبیان پرداخت (ابن‌عدیم، ۱۵۴/۲). عزم سلطان محمد سلجوقی برای مقابله با صلیبیان، بر اثر فشارهای صلیبیان بر ابوالعساكر سلطان بن‌منقذ که از حامیان او بود، راسخ‌تر شد. برسقی به امر سلطان محمد سپاهی فراهم کرد (۵۰۸ ق) و به جنگ صلیبیان رفت (ابن‌اثیر، ۵۰۱-۵۰۲؛ ابن‌کنیر، ۱۱۲/۱۷۶-۱۷۸).

با توجه به اینکه بنی‌منقذ از تابعان سلطان سلجوقی بودند، برسقی پایگاه خود را در

شیزر قرار داد. صلیبیان در این هنگام به رهبری بالدوین و پونس کنت طرابلس به سوی برسقی هجوم بردند. برسقی با تدبیرهایی موفق شد بالدوین و پونس را متفرق کند. بنابراین، وی کفرطاب را با زد و خورد کوتاهی فتح کرد و آن را به ابوالعساکرسلطان سپرد (ابن اثیر، ۱۰ / ۵۰۱-۵۰۲)، اما پس از زمانی، صلیبیان توانستند سپاهیان برسقی را در تپه دانیث شکست دهند (ابن کثیر، ۱۲ / ۱۷۸-۱۷۹). پیروزی صلیبیان را در تپه دانیث به آخرین تلاش شاهان سلجوقی برای باز پس گرفتن شام می توان تعبیر کرد؛ زیرا در این برهه سلطان محمد سلجوقی بر اثر مشکلات داخلی قلمرو خود، در لشکرکشی به شام ناتوان بود. از این رو، راجر^۱، شاهزاده انطاکیه، نیروهایش را به سوی کفرطاب فرستاد و این قلعه را از بنی منقذ بازپس گرفت (اسامه بن منقذ، ۱۰۶).

دولت های صلیبی در دهه اول قرن ششم هجری کمابیش در شمال شام تثبیت شده بودند (رانسیمان، ۲ / ۱۵۵)، اما ایلغاری، امیر ارتقی از امیران شام در پی این بود که بر صلیبیان آن سامان فشار آورد. از این رو، وی به کمک امرای شام همچون سدیدالملک علی امیر بنی منقذ برای مقابله با صلیبیان سپاهسانی گرد آورد (۵۱۳ ق) (ابن عدیم، ۲ / ۱۸۷-۱۸۹). سلطان بن سدیدالملک امیر بنی منقذ متعهد شد که از جنوب راجر، بر شاهزاده انطاکیه فشار آورد (ابن قلانسی، ۲۰۰-۲۰۱). صلیبیان در نبرد با سپاهیان مسلمانان شکست خوردند و راجر نیز کشته شد^۲ (ابن اثیر، ۱۰ / ۵۵۳-۵۵۵؛ ابن منقذ، ۴۰). حکومت بنی منقذ به همراهی دیگر حاکمان مسلمان، در این مرحله به پیروزی رسید. ابوالعساکر سلطان در این هنگام در حکومت های منطقه شام بسیار نفوذ داشت. شماری از حاکمان صلیبی همچون بالدوین در جنگ بَلک بن بهرام ارتقی، جانشین ایلغاری با صلیبیان (۵۱۶ ق) اسیر شدند (ابن اثیر، ۱۰ / ۵۹۳ و ۶۱۰). پس از مرگ بَلک، بالدوین به شیزر نزد ابوالعساکر سلطان منتقل شد که این خود بر نفوذ ابوالعساکر سلطان در جریانات منطقه ای شام دلالت می کند. پس از آن وساطت ابوالعساکر سلطان بن منقذ نزد حسام الدین تمرتاش بن ایلغاری به سرانجام رسید و بالدوین مشروط از زندان آزاد شد (ابن عدیم، ۲ / ۲۲۲)، اما شماری از گروگان ها در شیزر نزد امیر بنی منقذ ماندند

۱. Roger.

۲. این نبرد در دشت بلاط نزدیک ارتاح رخ داد که پس از این، به دشت خون معروف شد.

(اسامه بن منقذ، ۱۳۳ و ۱۵۰).

برسقی می‌توانست مسلمانان را بر ضد صلیبیان شام متحد کند (۵۱۸ ق)، از این رو، برای مذاکره به شیزر نزد ابوالعساگر سلطان رفت. امیر شیزر که سیاستی جز حفظ حکومت و منافعش نداشت، گروگان‌های صلیبی را به وی سپرد. سپاهیان متحد برسقی در جنگ با صلیبیان شکست خوردند (ابن‌قلانسی، ۲۰۸-۲۰۹). بالدوین در این پیروزی غنیمت بسیاری به دست آورد که توانست با آنها سربهای (فدیه) گروگان‌ها را بپردازد. این گروگان‌ها پس از رهایی‌شان به حمله امیر حمص دچار شدند، اما بنی‌منقذ به یاری آنان شتافتند و نجاتشان دادند (ابن‌عدیم، ۲/ ۲۰۶-۲۱۰).

می‌توان گفت، امیر بنی‌منقذ در هر مقطعی از زمان، بر پایه سیاست حفظ حکومتش به کاری دست می‌زد. صلیبیان در این مرحله پیروز شده بودند و از همین روی، بنی‌منقذ محتاطانه رفتار می‌کرد. امیر بنی‌منقذ به‌رغم اینکه در کنار مسلمانان با صلیبیان می‌جنگید، به قدرت صلیبیان در منطقه پی برد. بنی‌منقذ در زمان‌ها و اوضاع گوناگون، سیاست و عمل‌کرد ویژه‌ای را برای حفظ حکومتش پی می‌گرفت.

امپراطور جان یوحنا کومنینوس^۱ بر کیلیکیه چیره شد (۵۳۱ ق) شد (Cinnamus, ۲۱-۲۲) و ضبط و مهار کیلیکیه، مسیر انطاکیه را برای بیزانس باز کرد. امپراطور در همین سال با محاصره انطاکیه خواستار تسلیم این شهر بودند. ریموند، امیر انطاکیه با امپراطور بیعت کرد و شهر را به وی واگذار کرد. ریموند متعهد شد که اگر امپراطور بتواند شیزر را فتح کند، او آن را «کنت‌نشین» جدید بداند و انطاکیه را به امپراطور باز پس دهد. این قرارداد بر پایه معاهده دوول‌آمنعقد شد^۲ (Angold, ۱۵۶).

سپاه امپراطور به همراهی سپاهیان صلیبی به سوی جنوب رفتند (۵۳۲ ق). این حمله، آخرین یورش مهم صلیبیان به شیزر به شمار می‌رود. آنان قلعه‌های معره النعمان و کفرطاب را در نظر داشتند، اما هدف اصلی آنان، شیزر بود. شاید شیزر از چند منظر نزد بیزانس و صلیبیان مهم بوده باشد. از سویی، در مسیر حرکت مهاجمان به منطقه شام

۱. John Comnenus.

۲. Treaty of Devol.

۳. این معاهده در ۵۰۱ قمری منعقد شده بود.

بود و از سوی دیگر، مهاجمان گمان می‌کردند که این حکومت نزد زنگیان (بزرگ‌ترین دشمن مهاجمان)، مهم نبودند تا به مقابله با آنان پردازند (Choniates & Magoulias, ۲۲). در این زمان ابوالعساگر سلطان، امیر شیزر توانسته بود استقلال خود را از آسیب صلیبیان و اسماعیلیان حفظ کند. پیش‌روی امپراطور و صلیبیان به منطقه رود عاصی مانع پیش‌روی زنگیان بدان‌جا شد. بنابراین، مهاجمان تا ده روز پی در پی، از سوی کوه جریجیس شیزر را محاصره و سنگ‌باران کرد (۵۳۲ ق). اسامه بن منقذ برادرزاده ابوالعساگر سلطان شاهد زیان دیدن شیزر از منجنیق‌های بیزانسیان بوده است (ابن منقذ، ۲). امپراطور به‌رغم تلاش‌هایش برای محاصره شیزر، به عللی در این کار کام‌یاب نبود؛ زیرا از سویی ریموند رهبر صلیبیان بیم‌ناک بود با فرض سقوط شیزر، ناگزیر باید در آن‌جا ساکن شود. او می‌خواست بر انطاکیه (شهری مسیحی) مسلط باشد. چیرگی بر شهری چون شیزر که بیش‌تر ساکنانش مسلمان بودند، آن را از هجوم زنگیان آسیب‌پذیرتر می‌کرد (Angold, ۵۷). از سوی دیگر، ژوسلین^۱ رقیب ریموند از حکومت وی بر شیزر خرسند نبود (ابوالفداء، ۳ / ۱۲-۱۳؛ ابن وردی، ۲ / ۵۹).

افزون بر مشکلات صلیبیان، استحکامات قلعه شیزر و سیاست مدبرانه ابوالعساگر سلطان، در ناکامی مهاجمان تأثیر گذارد. به‌رغم تلاش پی‌گیر امپراطور، شیزر ایستادگی کرد. امیر ابوالعساگر کسانی را نزد امپراطور فرستاد و از او درخواست کرد که در برابر دریافت خسارتی هنگفت^۲، از شیزر دست بردارد (ابن قلانسی، ۲۵۸-۲۵۹؛ ابن کثیر، ۲۱۲/۱۲). امپراطور که یاران صلیبی خود را در محاصره مصمم نمی‌دید، شروط امیر بنی منقذ را پذیرفت و از محاصره دست کشید (ابن اثیر، ۱۱ / ۵۳ و ۵۹؛ ابن عدیم، ۲ / ۱۹۷). شیزر در برابر آخرین هجوم مهم صلیبیان به دلایل یاد شده، پایداری ماند، اما صلیبیان تا هنگام مرگ سلطان امیر بنی منقذ به شیزر یورش می‌بردند و مردم شیزر در برابر آنان می‌ایستادند (رانسیمان، ۲ / ۲۴۸-۲۵۰).

۱. Joscelin.

۲. افزون بر اینها، او خزانه سرشار و لوح گوهرنشانی داشت که آن را در نبرد ملازگرد از امپراطور رومانوس به غنیمت گرفته بود.

فروپاشی حکومت بنی منقذ

ابوالعساگر سلطان در ۵۴۸ قمری درگذشت و پسرش تاج‌الدوله، آخرین فرمان‌روای شیزر، بر جای او نشست. زلزله بزرگی در روزگار او در هنگامه جشن بنی منقذ در شیزر، رخ داد (۵۵۲ ق) و خاندان بنی منقذ زیر آوارها جان باختند و حکومتشان پایان یافت (ابن عدیم، ۲/ ۳۰۶-۳۰۷؛ ابوشامه، ۱/ ۱۱۱). پس از این زلزله، اسماعیلیان و صلیبیان در پی چیرگی بر این قلعه بودند (ابن قلانسی، ۳۰۳-۳۰۴). نورالدین زنگی برای جلوگیری از افتادن شیزر به دست اسماعیلیان، به سرعت با صلیبیان بدان سو ره سپرد و این سرزمین را به دست آورد (اسامه بن منقذ، ۱۷ به بعد). وی برای بازسازی شیزر، مجیدالدین بن الدایه را به حکومت بر آن گماشت. این خاندان در جایگاه حاکمان شیزر، زمان بلندی بر این سرزمین حکم راندند تا اینکه امیر ایوبی حلب، آنان را برکنار کرد (۶۳۰ ق) و شیزر را به دست گرفت (قلقشندی، ۱/ ۴۵۷).

نتیجه

حکومت محلی بنی منقذ در شام (قرن پنجم و ششم هجری) از اهمیت فراوانی برخوردار بود. شهر شیزر (شمال غربی حماه) از سویی نزد سلجوقیان و از سوی دیگر نزد صلیبیان، جایگاه ویژه‌ای داشت. امیران بنی منقذ با پیش گرفتن سیاستی کارآمد، موفق شدند که حکومتی را بنیاد بگذارند و هشت دهه حاکم باشند. این آگاهی سیاسی در تعامل آنان با قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های هم‌سایه شام، رخ می‌نمود. دوران حکومت ابوالعساگر سلطان بن علی منقذی از مهم‌ترین دوره‌های حکومت بنی منقذ در شیزر به شمار می‌رود. بنی منقذ در دوران این امیر، با اسماعیلیان و صلیبیان در ستیز و آویز بود. اسماعیلیان در منطقه شام به گرفتن قلعه‌های استوار برای تأسیس حکومتشان می‌پرداختند که شیزر از آنها به شمار می‌رفت. از این‌رو، امیران بنی منقذ توانستند خود را در برابر یورش‌های اسماعیلیان حفظ کنند.

حکومت بنی منقذ نخست می‌کوشید که بر پایه سیاست سازش با صلیبیان رفتار کند، اما بر اثر یورش‌های بعدی صلیبیان به آنان، سیاست امیر بنی منقذ دگرگون شد. درخواست کمک از سلطان سلجوقی و متحد شدن امیر بنی منقذ با دیگر حکومت‌های بومی شام بر ضد صلیبیان، از کارهای بعدی امیر بنی منقذ در برابر صلیبیان بود. راه‌برد

امیران بنی‌منقذ درباره صلیبیان در درازمدت تأثیرگذار بود و موجب پایداری این حکومت در برابر آنان شد. این حکومت سرانجام در پی زلزله‌ای بزرگ در شیزر، از میان رفت.

کتابنامه

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۹۹ ق/ ۱۹۳۲ م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
۲. ابن تغری بردی (۱۳۸۳ ق/ ۱۹۶۳ م)، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، قاهره، وزارت الثقافة و الارشاد القومي.
۳. ابن حیوس (۱۹۵۱ م)، *دیوان ابن حیوس*، تحقیق خلیل مردم‌بک، دمشق، المجمع العلمی.
۴. ابن خلدون (۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م)، *تاریخ ابن خلدون المسمی بديوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، بیروت، چاپ خلیل شحاده و سهیل زکار.
۵. ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد (۱۹۴۸ م)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق، محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره، بی‌نا.
۶. ابن خیاط (۱۹۵۷ م)، *دیوان ابن خیاط*، تحقیق خلیل مردم‌بک، دمشق، المجمع العلمی العربی.
۷. ابن ظافر ازدی (۱۹۸۸)، *اخبار الدول المنقطعه*، تحقیق محمد الزهرانی، قاهره.
۸. ابن عبری، ابوالفرج (۱۹۵۸)، *تاریخ مختصر الدول*، بیروت، مطبعه الکتاتولیکی.
۹. ابن عبری، ابوالفرج (۱۹۹۲ م)، *تاریخ الزمان*، ترجمه اسحق ارمله، بیروت، دار المشرق.
۱۰. ابن عدیم حلبی (۱۹۴۵-۱۹۶۸ م)، *زبدہ الحلب فی کتاب حلب*، تحقیق سامی دهان، دمشق، معهد الفرنسی.
۱۱. ابن عدیم، کمال‌الدین ابوالقاسم عمر بن احمد (۱۹۷۶ م)، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، آنکارا، جمعیه التاریخیه ترکیه، چاپ علی سویم.

۱۲. ابن قلاسی، ابویعلی حمزه (۱۹۰۸ م)، *ذیل تاریخ دمشق*، تحقیق آمدروز، بیروت، المكتبة الكاتوليكية.
۱۳. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۹۶۶ م)، *البدایه و النهایه فی التاریخ*، بیروت، بی‌نا.
۱۴. ابن منقذ، اسامه (۱۹۳۰)، *کتاب الاعتبار*، چاپ فیلیپ حتی، پرینستون.
۱۵. ابن منقذ، اسامه (۱۹۸۷)، *لباب الآداب*، بی‌جا، مکتبه‌السنه.
۱۶. ابن وردی، زین‌الدین (۱۳۸۹ ق/ ۱۹۷۰ م)، *تممه المختصر فی اخبار البشر*، تحقیق احمد رفعت البدرای، بیروت، انتشارات دار المعرفه.
۱۷. ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۳۷۵ ق/ ۱۹۵۶ م)، *المختصر فی اخبار البشر (تاریخ ابوالفداء)*، بیروت، بی‌نا.
۱۸. ابوشامة، عبدالرحمان بن اسماعیل (۱۹۵۶ م)، *کتاب الروضتين فی اخبار الدولتين*، قاهره، چاپ محمد حلمی محمد احمد.
۱۹. انطاکی، یحیی بن سعید (۱۹۹۰ م)، *تاریخ انطاکی (معروف به صلة تاریخ وتیخا)*، تحقیق عمر تدمری، طرابلس، بی‌نا.
۲۰. حموی، یاقوت (۱۳۳۹ ق)، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. _____ (۱۹۰۷ م)، *معجم الادباء*، قاهره، بی‌نا.
۲۲. رانسیمان، استیون (۱۳۶۰)، *تاریخ جنگ های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، تهران.
۲۳. زکار، سهیل (۱۹۸۴)، *الحروب الصلیبیه*. دمشق، دار حسان.
۲۴. شحادة، کامل (۱۹۸۱ م)، «قلعه شیزر ماضیها و حاضرها»، *الحوالیات الأثرية العربية السورية*. ج ۳۱.
۲۵. شیخ الربوه دمشقی، شمس‌الدین (۱۹۲۳ م)، *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*، تحقیق مهران، چاپ لایبزیک.
۲۶. صالح مناع، هاشم (جمادی الأولى ۱۴۱۷)، «شیزر فی التراث و التاریخ».